

راه نجاتی برای جمهوری اسلامی باقی نمانده است

وقتی تلاش جمهوری اسلامی برای مهار اعتراضات کشاورزان و دیگر مردم اصفهان، ایجاد تفرقه در میان ساکنان استان‌های مختلف و حتا مصادره‌ی اعتراضات، مفتضحانه شکست خورد، صبر جمهوری اسلامی به پایان رسید و از روز چهارشنبه ۳ آذر نمایش خود را با اطلاعیه‌ای جعلی با عنوان "پایان اعتراضات کشاورزان" برای شروع سرکوب معترضان آغاز کرد.

در صفحه ۳



ناکامی سفر گروسی به ایران و پیامد های آن بر مذاکرات وین

روز سه شنبه دوم آذر (۲۳ نوامبر) رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی، برای رسیدن توافق بر سر پاره ای مسائل مورد اختلاف آژانس بین المللی و جمهوری اسلامی به ایران سفر کرد. سفر گروسی درست دو روز قبل از نشست اعضای شورای حکام و شش روز پیش از آغاز دور هفتم مذاکرات هسته ای کشورهای ۱+۴ با جمهوری اسلامی صورت گرفت. مذاکراتی تحت عنوان "احیای برجام" و با حضور غیر مستقیم دولت آمریکا که شش دور آن در ماه های پایانی ریاست جمهوری حسن روحانی صورت گرفت و پس از آن با روی کار آمدن کابینه ابراهیم رئیسی متوقف شد. اکنون اما با گذشت شش ماه از توقف مذاکرات هسته ای، جمهوری اسلامی مجددا خبر بازگشت خود به میز مذاکره را اعلام کرده و دور هفتم مذاکرات "احیای برجام" قرار است روز دوشنبه هشتم آذر (۲۹ نوامبر) در وین آغاز شود. لذا، به دلیل همین توالی زمانی نشست شورای حکام و نیز شروع دور هفتم مذاکرات "احیای برجام"، سفر مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی به ایران و نتایج آن، چه برای نشست سه روزه اعضای شورای حکام و چه برای کشورهای ۱+۴ و چه برای آمریکا بسیار حائز اهمیت بود. گروسی اما پس از دو روز اقامت در ایران و انجام چند دور مذاکره با محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی و امیر عبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با دست خالی به وین بازگشت. مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی پس از بازگشت از ایران و پیش از ورود به جلسه نشست شورای حکام طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مقابل خبرنگاران قرار گرفت و با بیانی صریح و آشکار ناکامی سفر خود به ایران و بی نتیجه ماندن مذاکراتش با مسئولان هسته ای جمهوری اسلامی را اعلام کرد. او با تاکید بر اینکه "باید به نتیجه برسیم" گفت: به نقطه ای نزدیک می شویم که [او] دیگر نمی تواند بگوید که آژانس اطلاعات مستمری از فعالیت های اتمی ایران دارد. به عبارت دیگر آژانس به زودی نخواهد توانست بگوید فعالیت های اتمی ایران صلح آمیز است.

او همچنین در شروع نشست شورای حکام، طی ارائه گزارشی از سفر خود به ایران اعلام کرد: کار نظارت ها و تحقیقات آژانس، هم در چهارچوب توافق هسته ای (برجام) و هم در چهارچوب تعهدات ایران در معاهده عدم گسترش

در صفحه ۲

کارگر بیدار است از استثمار بیزار است

در صفحه ۴



راهزنی مقامات رژیم با "حقوق های نجومی"

هفته گذشته انتشار فیش حقوقی برخی از مدیران شرکت پتروشیمی امیرکبیر بار دیگر توجه افکار عمومی را به سوی "حقوق های نجومی" جلب کرد. بنا به اسناد منتشره، دریافتی مدیر مالی این شرکت در اردیبهشت ماه ۲۱۵ میلیون تومان، مدیر منابع انسانی این شرکت ۱۲۵ میلیون تومان و رئیس حراست این شرکت ۸۴ میلیون تومان بوده است. البته ماجرا به حقوق ختم نمی شود، بلکه با افزودن مواردی چون پاداش، حق جذب، حق پست، پست ماندگار، حق ماموریت و... "حقوق های نجومی" به "برداشت های نجومی" بدل می گردد. برای نمونه حقوق مدیر امور مالی

در صفحه ۶

تجاوز و خشونت که کودک همسری نام گرفته است

در ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، در تعدادی از کشورهای جهان از اروپا تا آسیا و آمریکای لاتین تجمعات و تظاهرات بزرگی علیه ستم و خشونت که بر زنان اعمال می شود، برپا گردید. این مبارزات به وضوح نشان می دهند، ریشه این خشونت که حتی زنان در پیشرفته ترین کشورهای جهان از آن رنج می برند، در نظام طبقاتی و سلطه مردسالاری است. از همین روست که به رغم دست آوردهائی که زنان تاکنون داشته و در اغلب کشورهای جهان به برابری حقوقی دست یافته اند، اما خشونت علیه زنان همچنان به حیات خود

در صفحه ۱۰

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
در حمایت از اعتراضات مردم اصفهان و چهار محال و بختیاری
علیه جمهوری اسلامی و مافیای آب!
دولت موظف است آب آشامیدنی سالم و
آب مورد نیاز کشاورزان را تامین کند!

در صفحه ۸

ناکامی سفر گروسی به ایران و پیامدهای آن بر مذاکرات وین

سلاح هسته‌ای با مشکل روبرو شده است. ایران اجازه نمی‌دهد در سایت کرج (سایتهای که قطعات سانتریفیوژ پیشرفته در آن تولید می‌شود)، آژانس دوربین کار بگذارد و به سئوال‌ات آژانس در باره پیدا شدن رد مواد رادیواکتیو در سه نقطه از قبل اعلام نشده نیز پاسخ نمی‌دهد.

ارائه گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به نشست شورای حکام، در شرایطی داده شد که یک روز پیش از آن (سه شنبه اول آذر)، مجد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی با بیان اینکه "به توافقاتی با آژانس رسیدیم" گفته بود: آقای گروسی در دیدار خود بارها تکرار کرده که برنامه هسته‌ای ایران انحرافی نداشته است". رافائل گروسی اما روز چهارشنبه در کنفرانس مطبوعاتی خود همه ادعاهای مجد اسلامی را رد کرد و گفت: او این موضوع را اصلا در مذاکراتش در تهران مطرح نکرده است.

شکست سفر رافائل گروسی به ایران و ارائه گزارش او به شورای حکام، علاوه بر پیچیده‌تر کردن روند مذاکرات "احیای برجام"، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اعضای شورای حکام را نیز در موقعیت سخت تری قرار داد. بی‌اعتنایی جمهوری اسلامی در پاسخ دادن به سئوال‌ات آژانس در باره پیدا شدن رد مواد رادیواکتیو در مکان‌های از قبل اعلام نشده، افزایش مستمر اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی، عدم اجازه نصب مجدد دوربین‌های نظارتی آژانس در مرکز تاسا در کرج اوضاع را برای طرفین مذاکره به شدت پر تنش و شکننده کرده است. در این میان، سخنان بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه در تاسیسات هسته‌ای کرج، جمهوری اسلامی مواد هسته‌ای ندارد و در آنجا فقط در حال ساختن سانتریفیوژ است و به همین دلیل مشمول نظارت بازرسی سازمان انرژی اتمی نمی‌شود، اوضاع را از آنچه که بود، پیچیده‌تر کرده است. (پنجشنبه چهارم آذر مصاحبه با تلویزیون)

پس از ارائه گزارش رافائل گروسی به نشست شورای حکام، همان روز سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه با صدور بیانیه مشترکی نسبت به اقدامات دو ساله جمهوری اسلامی واکنش نشان دادند. آنان در بیانیه خود ضمن تقدیر از آخرین گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یادآور شدند، جمهوری اسلامی بطور دائم و غیر قابل برگشت، توانایی‌های هسته‌ای خود را ارتقاء داده و جامعه بین‌الملل را در معرض خطر جدی قرار داده است. سه کشور اروپایی برجام همچنین در بیانیه خود یادآور شدند: "اکنون ذخیره مواد شکافت پذیر ایران به اندازه‌ای است که اگر بیشتر غنی شود، می‌تواند برای تولید بیش از یک بمب هسته‌ای مورد استفاده قرار بگیرد".

با اعلام ناکامی سفر گروسی به ایران و پس از ارائه گزارش او به شورای حکام، همه نگاه‌ها به سمت نشست سه روزه شورای حکام متمرکز شد و جملگی بر این امید بودند که قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی صادر خواهد شد.

قطعنامه‌ای که اگر صادر می‌شد چه بسا مذاکرات "احیای برجام" را به بن بست کامل می‌کشاند، موقعیت جمهوری اسلامی را خرابتر از آنچه هست می‌کرد و احتمالا زمینه را برای ارجاع مجدد پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت فراهم می‌ساخت. اما روشن بود شورای حکام دست کم در هنگامه شروع دور هفتم مذاکرات وین، قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی صادر نخواهد کرد. نخست اینکه هنوز آمریکا و کشورهای ۱+۴ بر حل مناقشات هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی دل بسته و به آن امیدوارند. دوم اینکه آمریکا و کشورهای ۱+۴ هیچ‌گونه برآوردی از تیم جدید مذاکره‌کننده ایران ندارند و از این بابت بسیار بعید بود که بدون کسب کمترین تجربه عملی از برنامه تیم مذاکره‌کننده کابینه رئیسی در پی صدور یک قطعنامه علیه جمهوری اسلامی باشند. چرا که با صدور هرگونه قطعنامه‌ای توسط شورای حکام بسیار محتمل بود که روند مذاکرات آتی "احیای برجام" متوقف و یا عملا از دور خارج شود. وقوع چنین اتفاقی دست کم در لحظه کنونی نه تنها خواست اتحادیه اروپا و کشورهای ۱+۴ نیست، بلکه دولت آمریکا نیز در لحظه کنونی این رویه را دنبال نمی‌کند. لذا، بر بستر چنین واقعیتی بود که در دومین روز نشست شورای حکام، آمریکا در واکنش به گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خیال همه را راحت کرد و بحران را با اعلام یک اولتیماتوم علیه جمهوری اسلامی جمع کرد و گفت: عدم همکاری ایران منجر به تشکیل جلسه اضطراری شورای حکام تا پایان سال ۲۰۲۱ می‌شود. (تاکید از ما است). و بدین وسیله بحث صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی دست کم تا برگزاری "جلسه اضطراری" از دستور کار نشست شورای حکام خارج شد.

با این همه و به رغم اینکه فعلا صدور هرگونه قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی منتفی شد، اما چشم انداز مذاکرات "احیای برجام" همچنان در هاله‌ای از ابهام و بلاتکلیفی باقی مانده و روند آن نیز نسبت به شش ماه پیش بحرانی‌تر، پیچیده‌تر و سخت‌تر شده است. حتی می‌توان گفت گره‌های کور دیگری بر گره‌های پیشین آن اضافه شده است.

تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی تا این لحظه، رفع همه تحریم‌های برجامی و راست آزمایی از روند رفع تحریم‌ها را شرط اولیه و زمینه‌ساز پیشروی مذاکرات اعلام کرده است. آنهم بدون اینکه پیش از آن و یا همزمان با رفع تحریم‌ها، پذیرفته باشد که غنی‌سازی ۶۰ درصدی و دیگر اقدامات ضد برجامی خود را متوقف سازد. شرطی که به کرات از سوی دولت آمریکا و رابرت مالی فرستاده ویژه آمریکا در امور مالی ایران رد شده است. دومین شرط جمهوری اسلامی گرفتن یک تضمین قطعی و دائمی از دولت کنونی آمریکا است تا دولت‌های بعدی نتوانند همانند ترامپ از برجام خارج شوند. امری که در سیستم حکومتی آمریکا بدون رای و توافق کنگره این کشور عملی غیر ممکن است. به عبارت دیگر در سیستم حکومتی آمریکا برای

هیچ دولتی ممکن نیست تا برای دولت‌های بعدی وظیفه‌ای الزام آور ایجاد کند. موارد فوق گره‌هایی هستند که از طرف جمهوری اسلامی در مسیر روند مذاکرات "احیای برجام" بسته شده‌اند. در طرف دیگر این مناقشه هم دست کم دولت آمریکا و سه کشور برجامی فرانسه، انگلیس و آلمان قرار دارند. سه کشوری که هم‌اکنون در مواجهه با جمهوری اسلامی تا حد زیادی با دولت آمریکا همسو و هم‌صدا شده‌اند و جملگی خواهان توقف فوری فعالیت‌های ضد برجامی جمهوری اسلامی در دو سال گذشته می‌باشند. مضافا اینکه آن‌ها، در روند مذاکرات "احیای برجام" خواهان توافقی جدید و فراتر از توافقات برجامی ۲۰۱۵ هستند. توافقی که فراتر از ایجاد محدودیت‌های هسته‌ای بوده و فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای ایران را نیز در بر بگیرد. موضوعاتی که از طرف دولت فعلی جمهوری اسلامی غیر قابل پذیرش اعلام شده و خامنه‌ای نیز به دفعات ممنوعیت ورود به موضوعات فوق را اعلام کرده است. علاوه بر موارد فوق، حضور غیر مستقیم آمریکا در مذاکرات وین نیز مزید بر علت است تا نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا نتوانند به طور صریح و مستقیم نقطه نظرات همدیگر را بشنوند و پاسخگو باشند. موضوعی که به زعم آمریکا زمان مذاکرات را طولانی و فرصتی برای جمهوری اسلامی جهت خریدن زمان خواهد بود.

رابرت مالی فرستاده ویژه آمریکا در امور مالی ایران یک روز پیش از شروع دور هفتم مذاکرات که قرار است روز دوشنبه ۸ آذر (۲۹ نوامبر) در وین آغاز شود، با تاکید بر اینکه اگر ایران بخواهد از فرصت مذاکرات به عنوان سرپوشی برای تسریع برنامه اتمی استفاده کند، گفت: "ما مجبوریم به صورتی به آن واکنش نشان دهیم که گزینه اول ما نیست و کسی نباید شکفت زده شود اگر ما در آن مرحله فشار بر ایران را افزایش دهیم... امیدواریم به آن نقطه نرسیم، اما اگر لازم باشد آمریکا و شرکایش فشارهای تازه‌ای بر این کشور اعمال خواهند کرد". مجموعه مسائلی که اکنون پیرامون روند مذاکرات "احیای برجام" می‌گذرد حاکی از آن است که شرایط به نفع جمهوری اسلامی نیست. تا جاییکه اکنون روسیه و چین نیز نگران روند مذاکرات هستند و آن‌ها هم به میزان زیادی زبان دیپلماسی فشار بر ایران را برگزیده‌اند. لذا، همه نشانه‌ها حاکی از آن است که جمهوری اسلامی و تیم مذاکره‌کننده آن بر سر یک دو راهی سخت قرار گرفته‌اند. اگر بخواهند مذاکرات را به صورت واقعی و مورد قبول طرف مقابل پیش ببرند، چاره‌ای جز ادامه پروسه کاری تیم مذاکره‌کننده کابینه روحانی را ندارند و پیگیری این روند ثف سربالایی برای خامنه‌ای و رئیسی خواهد بود. چنانچه اگر بخواهند روند مذاکرات "احیای برجام" را با هدف خرید زمان و آنگونه که رابرت مالی توضیح داده است در پیش بگیرند، شرایط باز هم برای جمهوری اسلامی دشوارتر خواهد شد. موارد فوق، از جمله گره‌هایی هستند که به روند آسانی باز نخواهند شد. گره‌هایی که روند مذاکرات "احیای برجام" را بسیار پیچیده‌تر و دست کم چشم انداز دست‌یابی به یک توافق زود هنگام را غیر ممکن کرده است.

راه نجاتی برای جمهوری اسلامی باقی نمانده است

جمهوری اسلامی که با نام کشاورزان اطلاعیه صادر کرده بود، شب هنگام، زمانی که عموم مردم به خانه‌هایشان رفته و تنها جمعی از کشاورزان بر بستر خشکیده زاینده رود بودند، حمله به کشاورزان را با به آتش کشیدن چادرهایشان آغاز کرد که در جریان این حمله تعدادی از کشاورزان مجروح شدند. از صبح ۵ شنبه ۴ آذر شهرداری اصفهان نیز به عنوان بخشی از این دستگاه دولتی ستمگر، پاکبانان را برای "پاکسازی" بقایای چادرهای سوخته در آتشی که مزدوران جمهوری اسلامی برپا کرده بودند، به بستر خشکیده زاینده رود فرستاد. با این خیال عبث که به اعتراضات پایان خواهند داد.

صبح روز جمعه ۵ آذر، کشاورزان و مردم اصفهان بار دیگر خود را به زاینده‌رود رساندند، زاینده‌رود تشنه. اما این بار تعداد زیادی از نیروهای یگان ویژه، زاینده رود را فُزُق کرده بودند. جمهوری اسلامی تصمیم گرفته بود به جای آب، آتش و خون در زاینده‌رود جاری کند. درگیری‌ها از زاینده‌رود تشنه آغاز شد و به خیابان‌های اصفهان کشید. مزدوران جمهوری اسلامی از سلاح (با گلوله‌های ساچمه‌ای)، شوکر و گاز اشک‌آور برای سرکوب مردمی که آب می‌خواستند و فریاد می‌زدند "زاینده رود را پس بده، به اصفهان نفس بده" استفاده کردند، حتی با موتورهایشان به صفوف مردم زدند و آن‌ها را زیر گرفتند. با این حمله وحشیانه شعارهای مردم نیز تندتر و تندتر شد. با شعارهایی همچون "این همه لشکر آمده، به جنگ رهبر آمده"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر دیکتاتور" سنگ‌پران و فریاد زنان، به مقابله با سرنیزه بدستان جمهوری اسلامی برخاستند. نبردی که تا پاسی از شب ادامه داشت، نبردی در خون و آتش که موتور نیروی انتظامی و بنر خامنه‌ای نیز در این آتش سوختند.

براساس اعتراف فرمانده یگان‌های ویژه ناجا حسن کرمی تا عصر روز شنبه ۶۷ نفر بازداشت شدند که البته برخی منابع مستقل از بازداشت بیش از ۲۱۴ نفر خبر داده‌اند. همچنین سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ضمن اعلام این‌که در این درگیری‌ها کسی کشته نشده، از بستری بودن ۱۹ نفر که حال دو نفر از آن‌ها وخیم است، خبر داد.

گزارش‌ها حاکیست که حداقل ۳۰ نفر در بیمارستان بستری شده‌اند. برخی از منابع غیردولتی اما از کشته شدن ۳ نفر خبر داده‌اند که یکی از آنها زن می‌باشد، اگر چه این خبر هنوز تایید نشده است. پیرمرد

کشاورزی که در اثر گلوله‌ساجمه‌ای به صورت‌اش مجروح شده بود، خطاب به مقامات حکومتی و رسانه‌های تبلیغاتی‌شان گفت: "نگوید ارادل و اوباش بودند، نیروی انتظامی بود".

جمهوری اسلامی همچنین به روال معمول برای جلوگیری از انعکاس اخبار سرکوب و محروم کردن مردم از انتقال اخبار، تجربیات و ارتباط با یکدیگر اینترنت را قطع کرد. در واقع تجمع پرشکوه مردم اصفهان در جمعه قبل، شروع اعتراضات در شهرکرد از ۳۰ آبان با "دایه دایه وقته جنگه"، همبستگی آن‌ها با مردم اصفهان و ترس از فراگیرتر شدن اعتراضات همچون اعتراضات تابستان گذشته مردم خوزستان در اعتراض به نبود آب، رژیم را به این نتیجه رساند که هر چه زودتر باید بستر خشکیده زاینده رود را از آن‌ها که زاینده‌رود را زنده و شاداب می‌خواهند خالی کند. رژیم البته این را هم می‌داند که بحران آب فراگیرتر و اعتراضات نیز گسترده‌تر خواهد شد. حتی هم اکنون نیز بسیاری از مناطق کشور با بحران آب شرب دست و پنجه نرم می‌کنند.

این که مردم اصفهان با کشاورزان همراه و همصدا شدند، یک دلیل روشن آن معضل مشترک آن‌ها یعنی آب و نیز دشمن مشترک آن‌ها یعنی مافیای آب و رژیم‌ست که با سیاست‌های خود این فاجعه (و دیگر فجایع) را بوجود آورده است که تنها یکی از مظاهر آن خشک شدن زاینده‌رود است. معضل آب هر روز بزرگتر و بزرگتر می‌شود. جدا از معضل آب آشامیدنی و آب کشاورزی، خشک شدن تالاب‌ها و بستر رودخانه‌ها معضلات زیست‌محیطی فراوانی را ایجاد کرده است.

همان‌گونه که در شماره پیشین نشریه کار نیز بیان کرده بودیم، برای کشاورزان معترض اصفهانی آبی در کار نیست و تنها راه حل رژیم پیشنهاد دادن پول به‌عنوان خسارت به کشاورزان است. روز جمعه مرتضوی استاندار اصفهان به خبرنگاران گفت: "در سفر وزیر نیرو قرار شد تا هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای این مساله اختصاص یابد و با ایجاد سامانه‌ای توزیع پول را آغاز کنیم". وی همچنین گفت با میزان بارندگی فعلی حدود ۳ ماه آب پشت سد زاینده‌رود آن هم تنها برای تامین آب آشامیدنی اصفهان وجود دارد. معضلی که البته بخش بسیار بزرگی از کشور از جمله تهران نیز با آن روبروست.

رژیم فاسد جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها با بی‌برنامگی و فساد که کل دستگاه

دولتی را در خود غرق کرده است، مسئول اصلی بسیاری از فجایع از جمله معضل آب است. اما معضل مردم ایران تنها آب نیست و برای همین هم اعتراضات کشاورزان مورد حمایت مردم سایر شهرها قرار گرفت و شعارهایی همچون "اصفهان، خوزستان اتحاد اتحاد"، "اصفهان، شهرکرد اتحاد اتحاد" سر داده شد. در یکی از این اعتراضات که همواره زنان نقش برجسته‌ای در آن داشتند، یکی از همان زنان شجاع میکروفون در دست گفت: "می‌خواهند ما را با تفرقه از بین ببرند نه ما هستیم. ما مردم اصفهان پشت هم هستیم. برادران شهرکرد هم پشت ما هستند. برادران خوزستانی پشت ما هستند. همچنین مردم یزد، به این باید برسیم که همه باید در برابر مافیای آب باهم بایستیم".

هم اکنون یکی دیگر از معضلات مردم ایران آلودگی هواست که بویژه در ماه‌های آذر و دی به اوج خود می‌رسد. اما جمهوری اسلامی که همه چیزش در هم پیچیده خود به این موضوع دامن می‌زند. دولت به دلیل کمبود گاز و ترس از اعتراضات مردم در اثر قطع گاز خانگی بویژه در فصل سرما، مقدار تحویلی گاز به نیروگاه‌ها را کاهش داده و گاز بسیاری از مراکز صنعتی همچون کارخانه‌های سیمان را قطع کرده است. در عوض نیز این مراکز صنعتی و نیروگاه‌ها شروع به استفاده از مازوت کردند که موجب آلودگی بیشتر هوا می‌شود. از آن طرف نیروگاه‌ها نیز به دلیل کمبود برق و باز ترس رژیم از اعتراض به این مساله مجبورند با تمام ظرفیت کار کنند، این در حالی‌ست که رژیم در طول این سال‌ها هرگز سرمایه‌گذاری لازم را برای مدرن کردن نیروگاه‌ها و خطوط انتقال برق انجام نداده و راندمان نیروگاه‌های کشور به ۳۷ درصد رسیده است. همچنین دولت ۶۰ هزار میلیارد تومان به شرکت‌ها و پیمانکاران این رشته بدهکار است. در همین تابستان گذشته شاهد قطعی برق بودیم که اعتراضات شبانه جوانان را بنبال آورد. پیش‌بینی مقامات دولتی این است که در سه سال آینده قطعی برق ادامه خواهد داشت. در رابطه با کمبود گاز فقط کافی‌ست این نکته را یادآوری کرد که ایران خود دارای بزرگترین ذخایر گازی دنیا بعد از کشور روسیه است و براساس گزارش دیوان محاسبات از تفریق بودجه سال ۹۹، سالانه ۶۵ میلیارد یورو گاز به قیمت صادراتی هدر می‌رود!!! این در حالی‌ست که حتی برای حفظ همین میزان تولید گاز به‌گفته‌ی زنگنه وزیر سابق نفت به ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است.

بنابراین با این اوضاع و شرایط، طبیعی‌ست که تمام حرف‌هایی که در مورد حل معضل آب زده می‌شود تنها در حد همان حرف و

کارگر بیدار است از استثمار بیزار است



ورود آن‌ها به شرکت شده بود که اعتراض شدید عموم کارگران را برانگیخت. کارگران در حمایت از رفقای خویش و برای بازگشت به کار آن‌ها دست به اعتصاب زدند. در روزهای بعد کارگران شرکت خدمات اکتشافی و شرکت پارس او لنگ نیز به اعتصاب پیوستند. لازم به ذکر است که کارگران این معدن در یک اعتصاب سه‌روزه در اواسط مهرماه سال جاری خواهان اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل افزایش دستمزد، رفع تبعیض بین نیروهای رسمی و شرکت‌های اقماری و نیز قرارداد دائمی شده بودند. در آن اعتصاب مدیرعامل شرکت ملی مس، هنگام مذاکره با نمایندگان کارگران قول داد به خواست کارگران رسیدگی و قرارداد همه کارگران یکساله شود. اما از آنجاکه این وعده‌ها عملی نشد، کارگران دوباره وارد اعتصاب شدند. شایان‌ذکر است که روز دوشنبه اول آذر، مدیر این مجتمع از ترس ادامه و گسترش اعتصاب، جلسه‌ای با نمایندگان کارگران در تبریز برگزار نمود و با وعده بازگشت به کار کارگران اخراجی و رسیدگی به سایر خواست‌ها، از کارگران خواست به سرکار بازگردند. اما کارگران با توجه به خلف وعده مدیرعامل شرکت ملی مس در اعتصاب قبلی، اعلام کردند تا تمدید قطعی قرارداد همکاران اخراجی خود، به اعتصاب ادامه خواهند داد. قاطعیت و استواری کارگران اعتصابی در حمایت از رفقای همکار خویش مدیریت را به عقب‌نشینی وادار نمود. مدیریت شرکت و مقامات شهرستان ورزقان از ترس ادامه و گسترش اعتصاب، روز سه‌شنبه ۲ آذر در جلسه شورای تأمین شهرستان ورزقان که در محل کارگاه "آهن آجین" با حضور نمایندگان کارگران برگزار شد مقرر نمودند که شرکت‌های پیمانکاری از اخراج کارگران صرف‌نظر کنند و هر ۶۰ نفر آن‌ها به کار برگردند. در عین حال مقرشد ۴ تن از مدیرانی که کارگران مانع ورود آن‌ها به مجتمع شده بودند و مسئولین شرکت اصرار داشتند آن‌ها را به سرکار قبلی برگردانند، در معدن تردد نداشته باشند. شایان‌ذکر است که همزمان با این جلسه و مذاکرات نمایندگان کارگران، انبوه کارگرانی که در محل تجمع نموده بودند شعار می‌دادند: "کارگر بیدار است- از استثمار بیزار است"، "کارگر می‌میرد- ذلت نمی‌پذیرد". با پذیرش خواست‌های کارگران، اعتصاب پس از سه روز پایان یافت.

در صفحه ۵

محیط کار از جمله مهم‌ترین خواست‌های کارگران معدن کرومیت منو جان است. کارگران این معدن برای دستیابی به این خواست‌ها طی یک سال اخیر بارها دست به اعتصاب و تجمع زده و برای رساندن فریاد اعتراض خود به گوش مقامات و دست‌اندرکاران مربوطه، اقدام به مسدود ساختن جاده بین‌المللی منو جان - بندرعباس نموده‌اند. اعتصاب تیرماه ۹۹ کارگران این معدن با چند وعده کارفرما پایان گرفت. وعده‌ها اما روی کاغذ ماند و نه فقط خواست‌های کارگران عملی نشد، بلکه با شکایت کارفرما، ۱۶ تن از کارگران پیشرو که در دفاع از حقوق کارگران فعال بودند از کار اخراج شدند. فشارها بردوش کارگران ادامه یافت و تشدید شد. بی‌توجهی به خواست کارگران، اعتصاب دی‌ماه ۹۹ را در پی داشت. کارگران در اعتراض به وضع تحمیلی موجود، بار دیگر جاده بین‌المللی منو جان - بندرعباس را مسدود ساختند. وعده‌ها و خلف وعده‌ها تکرار شد. فروردین ۱۴۰۰ و پرشورتر از آن اردیبهشت ۱۴۰۰ کارگران معدن کرومیت منو جان بار دیگر دست به اعتصاب زدند و جاده فوق را مسدود کردند و در ادامه، ضمن حضور نسبتاً گسترده خانواده‌ها، در خیابان‌های شهر منو جان دست به راهپیمایی زدند و مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. برخی دیگر از افسار زحمتکش جامعه نیز از کارگران حمایت نمودند. علی‌رغم اعزام نیروهای ویژه ضد شورش از کرمان و هرمزگان برای سرکوب کارگران، اعتصاب و اعتراض اما چنان متحد و پر قدرت بود که در نهایت مقامات استانی و محلی در برابر خواست کارگران عقب‌نشستند و قول‌هایی نیز به کارگران دادند. بار دیگر اما به این وعده‌ها نیز پشت کردند و چنین است که کارگران این معدن، از دوم آذرماه بار دیگر دست به اعتصاب زده و به نشان اعتراض، اقدام به مسدود ساختن جاده نموده‌اند. آخرین خبرها حاکی از آن است که نیروهای یگان ویژه برای سرکوب کارگران وارد عمل شده‌اند.

اعتصاب در معدن مس سونگون ورزقان

بیش از ۲۰۰۰ کارگر مجتمع مس سونگون ورزقان از شامگاه ۳۰ آبان ۱۴۰۰ وارد اعتصاب شدند. این کارگران که همگی زیرپوشش شرکت‌های پیمانکاری مانند آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و دیگر شرکت‌ها تحت وخیم‌ترین شرایط کاری با دستمزدهای بسیار پایین و قراردادهای موقت یک‌ماهه مشغول به کار هستند، در اعتراض به اخراج ۶۰ تن از رفقای همکار خود و فعالان کارگری این مجتمع به‌طور یکپارچه دست از کار کشیدند. مدیریت شرکت تحت این عنوان که قرارداد این کارگران به اتمام رسیده، روز ۲۹ آبان مانع

اعتصابات کارگری مدام در حال افزایش و گسترش هستند. بر بستر اوضاع پر تب‌وتاب سیاسی جامعه و اعتراضات توده‌ای در اصفهان و شهرکرد و برخی شهرهای دیگر، اعتراضات و اعتصابات کارگری رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرند و ضرورت به هم پیوستن جویبارهای اعتراض خیابان و کارخانه و جاری شدن سیلی بنیان‌کن را یادآور می‌شوند. روزی نیست که شاهد یک یا چند اعتراض و اعتصاب کارگری نباشم. طی دو سه هفته اخیر کارگران در چهارگوشه کشور دردها مورد دست به اعتصاب و تجمع زده با راهپیمایی و ایجاد راهپندان، علیه وضع موجود به اعتراض برخاسته‌اند. اعتصابات مکرر معادن مانند اعتصاب کارگران معدن مس ورزقان، معدن مس دره زار سیرجان، معدن کرومیت آسمی نون منو جان، معدن طلای آق دره و معادن زغال‌سنگ کرمان از جمله اعتصابات کارگری در ده روز اخیر هستند. اعتصاب و تجمع کارگران پتروشیمی‌ها از نمونه اعتصاب برجسته پتروشیمی آبدان، پتروشیمی رازی، پتروشیمی فجر، خمین، گچساران، بیستون کرمانشاه و پتروشیمی کوه مبارک جاسک بخش دیگری از اعتصابات کارگری در همین بازه زمانی است. اعتصابات کارگری فقط به این رشته‌ها خلاصه نمی‌شود. طی دو هفته اخیر، کارگران دردها شرکت و مؤسسه و کارخانه دیگر نیز وارد اعتصاب شده‌اند. مانند اعتصاب کارگران پالایشگاه پارسیمان، شرکت حفاری گلوبال پتروتک کیش، شرکت پترو الکتریک، ایران‌خودرو خراسان، اعتصاب برجسته ایران‌خودرو تبریز، تراکتورسازی تبریز، کارگران توزیع برق، سبلان پارچه اردبیل، رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد، سیمان ایلام، مخابرات، روغن نباتی فریکو سیرجان، لاستیک بارز کردستان، سایپای تبریز (سمتکو)، کارگران فصلی هفت‌تپه، کارگران شهرداری‌ها و اعتصابات مکرر کارگران بازنشسته فولاد. از میان ده‌ها اعتصاب کارگری، سه نمونه از اعتصابات مهم کارگری در معادن را از نزدیک مورد بررسی قرار می‌دهیم و سعی می‌کنیم یک جمع‌بندی کوتاه از این اعتصابات داشته باشیم.

اعتصاب در معدن آسمینون منوجان

روز سه‌شنبه ۲ آذر کارگران معدن آسمینون منو جان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خویش و عدم تحقق وعده‌های کارفرما در اعتصاب‌های پیشین، بار دیگر دست از کار کشیدند و با تجمع در محور منو جان- بندرعباس و مسدود ساختن جاده، خواستار رسیدگی به خواست‌های خود شدند. افزایش دستمزد، لغو قراردادهای یک‌ماهه، حذف پیمانکار، قرارداد دائمی، استخدام رسمی و بهبود شرایط ایمنی

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگر بیدار است از استثمار بیزار است

اعتصاب در معادن زغالسنگ کرمان

کارگران شرکت معادن زغالسنگ کرمان در اعتراض به تصمیم " صندوق حمایت و بازنشستگی فولاد" (مالک فعلی شرکت) برای واگذاری آن به مجموعه " فولاد تجارت دالاهو"، از روز ۱۵ آبان ۱۴۰۰ اعتصاب جدیدی را آغاز کردند و در روزهای بعد، با اشغال دفتر شرکت و تجمعات اعتراضی خود، ضمن ابراز مخالفت شدید با این تصمیم، خواستار انعقاد قرارداد دائمی، افزایش دستمزد، افزایش ضریب سختی کار از ۵ / ۱ به ۲ و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل شدند. ۲۱ آبان مقامات شرکت معادن زغالسنگ کرمان، فرماندار زرنند، مدیران شرکت دالاهو و مقامات امنیتی و انتظامی استان، برای رسیدگی به این موضوع، جلسه‌ای با کارگران برگزار نمودند. اما به دلیل رفتار اهانت‌آمیز فرماندار زرنند با کارگران، نمایندگان کارگران نیز در اعتراض به این موضوع جلسه را ترک نمودند و این جلسه بدون نتیجه پایان یافت. اعتصاب و اجتماعات کارگران زغالسنگ کرمان تا روز ۲۴ آبان ادامه داشت. جمعیتی بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ نفر به نمایندگی از ۳۵۰۰ کارگر در این تجمعات شرکت داشتند که در شعارنوشته‌های خود واگذاری معادن زغالسنگ به بخش خصوصی و پیمانکاران را مساوی برده‌داری مدرن دانسته و در تجمعات



خود شعارهایی نیز مانند " می‌مانیم، می‌میریم- ذلت نمی‌پذیریم" سر دادند. اردیبهشت سال ۹۹ نیز ۳۵۰۰ کارگر این معادن در اعتراض به همین تصمیم اعتصاب یکپارچه‌ای را سازمان دادند که ۱۰ روزه درازا کشید. این اعتصاب با تجمعات و راهپیمایی‌های پرشور خیابانی کارگران و خانواده‌ها همراه شد. مدیریت شرکت در آن زمان ۱۰ روز مهلت خواست تا ظاهراً به خواست‌های کارگران رسیدگی کند و به‌طور ضمنی قول‌هایی نیز به کارگران داد. اما وقایع شش ماه گذشته نشان داد که وعده‌های مدیریت صرفاً برای خریدن زمان و خواباندن اعتصاب و اعتراض بوده است. کارگران شرکت معادن زغالسنگ کرمان بعد از این تجربه، با هوشیاری و استواری بیشتری به اعتصاب و تجمع روی آورده‌اند تا خواست‌های خود را پیگیری و از واگذاری شرکت جلوگیری کنند. در حال حاضر اکثریت بسیار بزرگ معادن کشور از جمله معادن زغالسنگ به بخش خصوصی واگذار شده و مشتی سرمایه‌دار و دلال و پیمانکار مفت‌خور و سودجو، درحالی‌که کارگران را به‌شدت استثمار می‌کنند اما حتی حاضر نیستند دستمزد



اما کارگران پیشرو باید به این فاکتور مهم نیز انرژی بیشتری اختصاص دهند و صف اعتصاب و اعتراض را با حضور پررنگ خانواده‌ها پر قدرت‌تر سازند.

اما یکی از کمبودها و نقایص مهم اصلی اعتصابات معادن پراکندگی آن‌هاست. اگرچه این بسیار مهم و قدم بزرگی به‌پیش محسوب می‌شود که ۳۵۰۰ کارگر ۳ معدن بزرگ زغالسنگ کرمان (زرنند، کوهبنان، راور) به‌طور متحد و یکپارچه وارد اعتصاب می‌شوند، اگرچه این نیز بسیار مهم و قدم بزرگی به‌پیش است که کارگران ۷ معدن زغالسنگ تحت پوشش بخش خصوصی (معادن زغالسنگ پابدانای جنوبی، چشمه پودنه، سراپرده، باب شکون، گله توت (گلنوت)، ۱۴-۱۲ و معدنچو در زرنند کرمان) شوربختانه جدا از هم هستند. اعتصابات نه‌فقط در معادن زغالسنگ جدا از هم و پراکنده‌اند که در سایر معادن مانند مس و سنگ‌آهن و غیره نیز همین قاعده جاری است. به این پراکندگی که به نحو درناکی از نیرو و قدرت اعتصاب می‌کاهد باید پایان داد. البته این وظیفه کارگران پیشرو در معادن زغالسنگ است که بیشتر و جدی‌تر از گذشته در راه پایان بخشیدن به این پراکندگی گام بردارند. کارگران زغالسنگ از تجارب و سابقه نسبتاً خوبی در سازمان‌دهی اعتصاب هم‌زمان و هماهنگ در چندین معدن برخوردار هستند. ایجاد کمیته‌های کارخانه و کمیته‌های اعتصاب در هر معدن نخستین گام و ایجاد ارتباط میان کارگران پیشرو متشکل در این کمیته‌ها در هر معدن با معادن دیگر گام بعدی است که حاصل آن ایجاد یک کمیته هماهنگی متشکل از نمایندگان و فعالان کارگری چندین معدن است. بدیهی است که بجای اعتصاب، یکبار در سه معدن زغالسنگ، بار دیگر در ۷ معدن و بار دیگر در یک یا دو معدن، این کمیته هماهنگی می‌تواند به‌طور هم‌زمان اعتصاب در ۱۰ معدن زغالسنگ و بیشتر را سازمان دهد و در گام‌های بعدی برای اعتصاب سراسری در تمام معادن زغالسنگ تلاش کند. روشن است که همین تاکتیک را عیناً می‌توان در معادن مس و سنگ‌آهن و غیره نیز به کار بست و در نهایت با ایجاد یک کمیته هماهنگی میان معادن زغالسنگ، مس، سنگ‌آهن و امثال آن، اعتصاب هماهنگ و سراسری کارگران رشته معادن را سازمان داد.

ایجاد چنین کمیته‌هایی گرچه خیلی ساده و سراسری و بدون پیچیدگی و به‌آسانی گفتن و نوشتن آن نیست، اما غیرممکن هم نیست.

معادن دولتی را به کارگران بپردازند و شرایط کاری در آن معادن را اجرا کنند. گرچه شرایط کار در معادن دولتی نیز از لحاظ قراردادها، میزان دستمزد، وضعیت سختی و ایمنی محیط کار غیراستاندارد و بسی وخامت بار است، در معادن واگذار شده اما اوضاع از این هم بدتر است. دستمزد حدود نصف معادن دولتی است، قراردادها یک‌ماهه و گاه حتی از بیمه نیز خیری نیست. بخشی از اعتصابات کارگری در معادن از جمله معادن زغالسنگ نیز مربوط به همین کارگران است. ششم مهرماه سال جاری، کارگران ۷ معدن زغالسنگ واقع در شمال کرمان متحداً دست از کار کشیدند و با مسدود نمودن مسیر حمل زغال به کارخانه زغال شویی اعتراضات گسترده‌ای را آغاز کردند. افزایش دستمزد، همسان‌سازی آن با کارگران بخش دولتی، قرارداد دائمی، افزایش ضریب سختی کار از ۵ / ۱ به ۲، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت بیمه کامل، بهبود ایمنی محیط کار و بازگشت اداره معادن به دولت از خواست‌های مهم این کارگران و ده‌ها هزار کارگر معادن واگذار شده به بخش خصوصی است. بعد از این اعتصاب اگرچه ۴ تن از کارگران پیشرو به دادگاه احضار شدند و یکی از کارگران به مدت ۲ روز در بازداشت بود، اما این فشارها و تمهیدات ذره‌ای از نارضایتی عمیق و روحیه اعتراضی کارگران معادن نکاسته است. معادن به‌ویژه معادن واگذار شده مانند هر کارخانه

و هر جای دیگر جامعه آماده انفجارند. نگاهی گذرا به اعتصابات کارگران در ۳ معدن فوق حاکی از این واقعیت است که خواست دستمزد و دیگر مطالبات اقتصادی و صنفی در سرتوکه مطالبات کارگران معدن است. علی‌رغم این واقعیت اما کارگران معدن نسبت به خواست‌های اساسی‌تری که رنگ و بوی سیاسی دارند نیز بی‌توجه نبوده‌اند. ورود به اعتصاب با خواست محوری بازگشت به کار ۱۶ کارگر پیشرو مدافع حقوق کارگران، مخالفت و مقابله با سیاست خصوصی‌سازی و واگذاری معادن به پیمانکاران که یکی از سیاست‌های اصلی دولت بوده است و بالاخره شعار گویای "کارگر بیدار است از استثمار بیزار است" همگی فراتر از مطالبات اقتصادی و صنفی است و آشکارا رنگ و بوی سیاسی و گاه حتی ضد دولتی دارند. از نکات مثبت و مهم اعتصابات کارگران معدن، پیگیری کارگران است که در اعتصابات مکرر خود را نشان می‌دهد. تجربه مبارزات کارگران معادن فوق در عین حال حاوی این درس بزرگ است که تحت هیچ شرایطی و به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان و نباید به کارفرما و مدیریت و وعده‌های آن‌ها اعتماد نمود. اعتصاب را نه بعد از وعده‌هایی که کارفرما می‌دهد بلکه زمانی باید پایان داد که خواست‌ها، یا لاقلاً بخشی از خواست‌ها عملی شده باشند.

نکته مهم دیگر همراهی خانواده‌ها در اعتصاب‌ها و تجمعات کارگران معدن است. گرچه در بسیاری از اعتصابات و تجمعات کارگران معادن، خانواده‌ها نیز سنتاً درگیر می‌شوند و به‌صفت اعتراض و تجمع کارگران می‌پیوندند،

راهزنی مقامات رژیم با "حقوق‌های نجومی"

عمومی و عده‌هایی داده می‌شده است از جمله "شفاف‌سازی حقوق کارکنان دولت" با ایجاد "سامانه ثبت حقوق و دستمزدهای مدیران" و دسترسی مردم به این سامانه. سامانه‌ای که هیچ‌گاه ایجاد نشد، به جای آن تمام تلاش به کار گرفته شد تا فیش‌های حقوقی منتشر نشوند.

امری محال. چرا که انتشار و افشای فیش‌های حقوقی، یکی از ابزارهای باندها و جناح‌های جمهوری اسلامی در میدان رقابت‌جویی است. جدال‌هایی که از همان ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی به جزء جدائی‌ناپذیری از این رژیم بدل گشته است. چرا که دسترسی به مناصب و پست‌های حکومتی به معنای دسترسی به منابع مالی و امکان چپاول است.

با افشای موارد این چنینی، اغلب پرداخت چنین حقوق‌هایی انکار می‌شود و اگر جنجال فروکش نکنند، یا رقبای افسانگر نیرومندتر و مصرتر باشند، ظاهراً این غارتگران برکنار می‌شوند یا استعفا می‌دهند، اما هیچ‌گاه روشن نمی‌گردد که آیا اموالی از آن‌ها پس گرفته شده است یا نه. با شناخت از مسئولان جمهوری اسلامی، به آسانی می‌توان حدس زد به احتمال قریب به یقین در جای دیگری متصدی پستی دیگر می‌شوند، چرا که هیچ کس بدون "روابط" ویژه و زدوبند به چنین پست و مقام‌هایی نمی‌رسد. انتصابات خانوادگی و جناحی در کابینه رئیسی نیز همچنان تداوم دارد. انتصابات که برای بهره‌مندان نویدگر ثروتی است که به جیب خواهند زد. گو آن که با گذشت تنها چند ماه از عمر کابینه رئیسی، خبرهایی از حقوق‌های نجومی در گردش است، از جمله "مدیر عامل بورس انرژی" با فیش حقوقی ۱۱۵ میلیون تومانی، "مشاور وزیر نفت" با

بودیم اعتصابات خود را از سر می‌گیریم." آن‌ها همچنین گفته بودند با توجه به وخامت اوضاع کرونا، کارگران پیمانکاری در بدترین شرایط ممکن و در معرض ابتلا قرار دارند. پروتکل‌های ایمنی و بهداشتی در کانکس‌های استراحت، محل سرو غذا و سرویس‌های رفت‌وآمد در سطحی کاملاً پایین اجرا می‌شود و کارگران به سادگی آلوده می‌شوند.

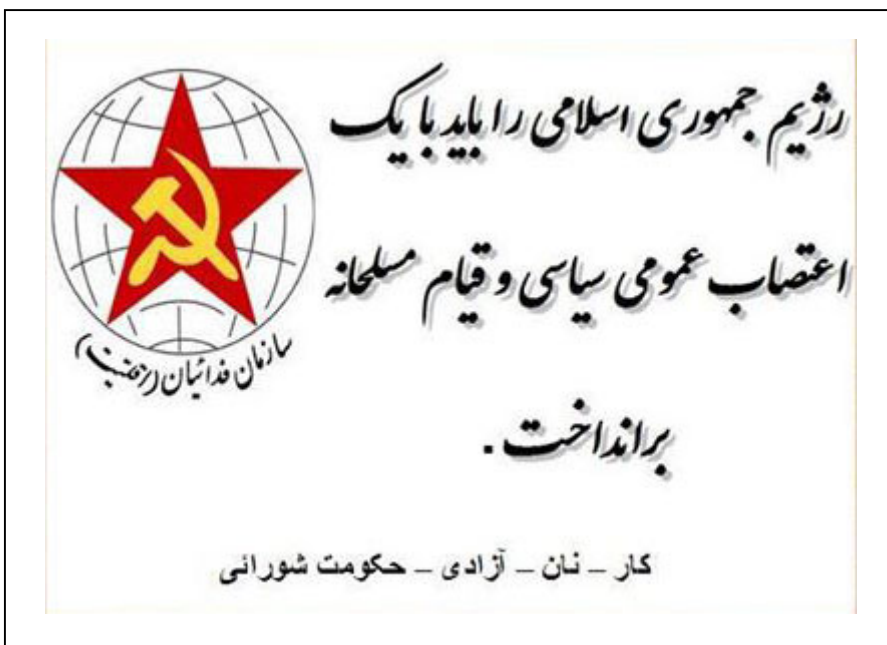
باز نمونه‌های دیگر: در مرداد ماه افشا شد که سه نفر در دبیرخانه شامل، حمیدرضا مومنی مشاور رئیس جمهور و دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی بیش از ۵۳ میلیون تومان، مرتضی شیخ زاده مشاور و سرپرست اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل بیش از ۵۴ میلیون تومان و محمدرضا عباسی سرپرست مدیریت فناوری اطلاعات دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد حدود ۵۴ میلیون تومان در خرداد ماه امسال خالص دریافتی داشته‌اند.

در سال‌های گذشته، بخش اعظم حقوق‌های نجومی مربوط به شرکت‌های وابسته به صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی بوده، که در زیرمجموعه‌ی دستگاه‌های دولتی و نیمه دولتی هستند. در کنار این صندوق‌ها، نام دانشگاه‌های دولتی، سازمان‌های مرکزی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و شرکت‌های تابعه‌ی آن‌ها، شرکت‌های تابعه‌ی وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و شرکت‌های آن‌ها، بانک‌ها و موسسات مالی و سرمایه‌گذاری وابسته به آن‌ها، به عنوان نجومی‌پرداز شنیده شده است.

هر بار هم که موضوع حقوق‌های نجومی جنجال‌برانگیز شده است، برای فریب افکار

در سال ۹۹ و ۷ ماهه امسال بایستی ۱۳۶ میلیون تومان می‌بوده است، اما در عمل یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان دریافتی داشته است. علت نیز، برداشت‌هایی به صورت نقدی و کارت هدیه بوده تا نه جایی ثبت شوند و نه مالیاتی پرداخت شود. کارت‌های هدیه‌ای که به هیچ یک از پرسنل داده نمی‌شده و به خودشان هدیه داده می‌شده است! از موارد دیگر می‌توان به خروج اموال شرکت و فروش آن، بدون رد پای در حساب‌های مالی، اشاره کرد. یا مدیر منابع انسانی مجموعه امیرکبیر، که با عضویت در کمیته مسکن در همان ابتدای ورود، مصوبه‌ای را به تصویب می‌رساند که بر اساس آن، مدیران و روسای شرکت در صورتی که منزل سازمانی نداشته باشند، بدون در نظر گرفتن امتیاز مسکن می‌توانند اقدام به رهن منزل سازمانی کنند. همچنین در ادامه تصویب می‌کند که شرکت می‌تواند اقدام به "واگذاری منازل در تملک" کند و با این مصوبه، یک خانه ۲۶۳ متری ۱۵ سال اجاره به شرط تملیک را تصاحب می‌کند. این اولین بار نیست که مدیران این شرکت، چنین دزدی‌هایی می‌کنند. مدیر قبلی این شرکت هم پول زیادی، از جمله ۷۲۰ میلیون تومان کارت هدیه، به جیب زده و از شرکت رفته است. در موردی دیگر، یکی از بانک‌ها در مجمع عمومی تیرماه سال جاری خود پاداش ۵۰۰ میلیون تومانی را مصوب کرده است. این در حالی است که در ابتدا ناظر جلسه پیشنهاد تصویب پاداش خالص ۴۰۰ میلیون تومانی را ارائه داده بود اما سهامداران به بهانه کسر مالیات، پیشنهاد دادند که ۱۰۰ میلیون تومان دیگر هم بر آن افزوده شود!

باز هم ماجرا به "حقوق‌ها و پاداش‌های نجومی" ختم نمی‌شود. در تیر ماه خیر سفر تفریحی مدیران پتروشیمی به عنوان "پاداش پایان کار دولت" به اسپانیا و به هزینه دولت منتشر شد. مدیران پتروشیمی در حالی به سفر "تفریحی" به اسپانیا "احتیاج" داشتند که اگر در محل کار حضور داشتند، پشت میز و زیر کولر و برخوردار از تمامی امکانات رفاهی نشسته بودند، اما کارگران باید در گرمای بالای ۴۰ درجه و در بدترین شرایط کار و دست به گریبان با کرونا کار می‌کردند. شرایطی که کارگران بیش از صد واحد گاز، نفت و پتروشیمی را به اعتراض و اعتصاب به دستمزدهای ناچیز و شرایط کاری اسفبارشان واداشت. در بیانیه کارگران پیمانی صنعت نفت آمده بود: "در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و کاهش هر روزه قدرت خرید خود و عدم اجرای وعده‌های داده شده، همانطور که اعلام کرده



از صفحه ۳

راه نجاتی برای جمهوری اسلامی باقی نمانده است

شعار باقی مانده و نه تنها هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود، بلکه سال به سال بدتر و بدتر خواهد شد. دریاچه ارومیه یک نمونه آن است که سال‌هاست صحبت از معضل این دریاچه، اختصاص بودجه و غیره می‌شود اما مدام شاهد کاهش سطح و میزان آب آن هستیم. رودخانه کارون با آن عظمت‌اش به جویباری باریک تبدیل شده است و البته باز باید تاکید کرد که یکی از دلایل ویرانی کشور فساد فراگیر دولتی و ساختار قرون وسطایی قدرت حاکم است.

اما اصفهان پایان ماجرا نیست، همان‌طور که خوزستان نیز نبود. برخلاف گفته‌ی فرمانده نیروی انتظامی اصفهان، آرامش به اصفهان بازنگشته است. تنها نفرت و خشم است که تلنبار می‌شود تا روزی به انفجار برسد. روزنامه اعتماد از روزنامه‌های به اصطلاح اصلاح‌طلب در رابطه با این اعتراضات نوشت: "شعله زیر خاکستری بود که دوباره گُر گرفت" و روزنامه جمهوری اسلامی نوشت سرکوب کشاورزان اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند.

بدون تردید اما اوضاع برای جمهوری اسلامی با گذشت هر روز پیچیده‌تر می‌شود. نکبت جمهوری اسلامی کشور را به ویرانی رسانده. به هر چه فکر کنید، بر روی هر چه که انگشت بگذارید جز ویرانی چیزی نمی‌بینید. تنها حاصل جمهوری اسلامی، جنگ، کشتار و ویرانی بوده است.

در چنین شرایطی است که مردم فریاد می‌زنند "دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند" در چنین شرایطی است که کشاورز محافظه‌کار نیز به صدا درآمده و می‌گوید "اگر خون‌مان را هم بریزند ما ایستاده‌ایم". تمام ترس رژیم برای حمله به کشاورزان و مردم اصفهان، کشاورزان اصفهانی نبودند، ترس رژیم از تکرار قیام آبان ۹۸ است، رژیم می‌داند که تکرار قیام آبان ۹۸ این بار ابعاد بزرگتری خواهد داشت.

علم‌الهدی امام جمعه مرتجع مشهد در نماز جمعه با اشاره به مشکل آب و اعتراضات مردمی گفت: "وقتی نزولات آسمانی کم است مشکل با تجمع درست نمی‌شود، در مقابل خدا تجمع فایده ندارد بلکه تجمع باید در نماز باران انجام شود". اما اوضاع برای جمهوری اسلامی پیچیده‌تر از آن است. دیر نیست زمانی که کشتی فرسوده جمهوری اسلامی در طوفانی که توده‌ها به پا خواهند کرد غرق شود و آن‌گاه کاری از "خدا" نیز برنمی‌آید.

راهزنی مقامات رژیم با "حقوق‌های نجومی"

(که لزوماً به آن‌ها اختصاص داده نمی‌شود) است، شرکت‌ها می‌توانند از محل درآمدهای خود، بودجه یا نتخواه حقوق‌های بالایی را به اعضای هیئت مدیره پرداخت کنند.

گرچه نمی‌توان دقیقاً تخمین زد چه میزان از بودجه عمومی، صرف پوشش حقوق‌های نجومی می‌شود، اما بر اساس اظهارات محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، تقریباً ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال حقوق پرداخت می‌شود. همچنین به گفته همین فرد، در مورد پرداخت حقوق‌های نجومی قانون دقیقی وجود ندارد. وی می‌گوید: "یکی از عوامل اصلی اعطای حقوق‌های نجومی آن است که ما در این زمینه قانون دقیقی نداریم و مشکلات موجود در قانون، این مشکل را تشدید کرده است." برای مثال، هیئت مدیره بانک‌ها اجازه دارند در پایان سال برای اعضای‌شان پاداشی، بدون سقف، تعیین کنند. علاوه بر آن، به شرکت‌های دولتی مجوز برگزاری مجمع و تصمیم‌گیری درباره حقوق و پاداش کارمندان و اعضای هیئت مدیره و مدیران، بدون هیچ گونه قانونی، داده شده است.

فاجعه‌آمیزتر آن که مدیران و مسئولان جمهوری اسلامی در حالی حاصل دسترنج توده‌های کارگر و زحمتکش را به جیب می‌زنند که حتی لیاقت و شایستگی مدیران معمول در نظام‌های بورژوازی را ندارند، به گونه‌ای که "سوءمدیریت"، حتی از سوی خود دست‌اندرکاران رژیم، به توصیف رایج نحوه اداره‌ی امور در تمام جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بدل گشته است. هر ساله هنگام بحث درباره حداقل دستمزد، این زالوصفتان بی‌لیاقت پای "کسری بودجه" و لزوم اجرای "سیاست‌های انقباضی دستمزدی" را به میان می‌آوردند. سیاست انقباضی که فقط مزدگیران را هدف قرار داده است و به افزایش ناچیز دستمزدهایی منجر می‌شود که سال به سال خانوارهای کارگری و زحمتکش بیشتری را به قعر فقر و فلاکت سوق می‌دهد. در نتیجه این شرایط اسفبار، سال به سال نابرابری طبقاتی بیش‌تر گشته و شکاف فقر و ثروت گسترده‌تر و عمیق‌تر. راهزنان جمهوری اسلامی برای غصب دسترنج و منابع کشور راه‌های بی‌شماری یافته‌اند. حقوق‌های نجومی تنها یکی از ابزارهای آنان برای چپاول و غارت است و تا زمانی که این رژیم پابرجاست، این راهزنی ادامه دارد.

"حداقل" حقوق ۳۲ میلیون تومانی.

باری، دریافتی‌های مدیران و مسئولان بالارده و میان‌رده‌ی جمهوری اسلامی، قاعده است، نه استثناء و قانونی است، نه غیرقانونی! طبق اصلاحیه بودجه ۱۴۰۰، حقوق و مزایای حقوق‌بگیران دستگاه دولتی ۲۵ درصد افزایش یافت، به جز افراد با حقوق ۳۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان یا بالاتر در سال ۹۹. یعنی یک کارمند رده بالای دولت با حقوق ۳۰ میلیون تومانی در سال ۹۹، در سال ۱۴۰۰ مشمول افزایش ۲۵ درصدی حقوق شده و دریافتی او به ۳۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است. البته این دریافتی خام است. همان‌گونه که در فیش‌های حقوقی منتشره آمده است، با ورود اقلام باورنکردنی در فیش‌های حقوقی، دریافتی مدیران دولتی به بیش از ۴۰ یا ۵۰ و حتی ۶۰ میلیون تومان می‌رسد. گذشته از آن که برخی از مدیران چند شغله هستند و ترندهای دیگری هم مانند مدیران پتروشیمی امیرکبیر در آستین دارند تا "پرداشته‌های" خود را به ارقام محیرالعقول برسانند.

از همین روست که در دی ماه سال گذشته عادل آذر رئیس سابق دیوان محاسبات با اشاره به افزایش ۲۵ درصدی حقوق در بودجه ۱۴۰۰ گفت، با توجه به ملحقات و دریافتی‌های برخی مدیران، سال آینده باید انتظار حقوق ۶۰ میلیونی هم داشت. حقوق‌هایی که قانونی هستند و مردم نباید تعجب کنند.

از آن گذشته، منبع حقوق‌های نجومی را باید در بودجه عمومی و بودجه شرکت‌های دولتی جست. بودجه عمومی صرف دستگاه‌های دولتی و نهادهای شبه عمومی می‌شود و بودجه شرکت‌های دولتی هم در قالب ردیف‌های غیرشفاف به مصرف بنگاه‌های صنعتی و غیرصنعتی، موسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانک‌های دولتی می‌رسد. در بودجه ۱۴۰۰ مبلغ ۱۳۷۳ هزار میلیارد تومان به عنوان بودجه عمومی و ۱۵۷۱ هزار میلیارد به عنوان بودجه شرکت‌ها، بانک‌ها و... در نظر گرفته شده است. بخشی از بودجه عمومی به بودجه جاری اختصاص دارد که در بودجه‌ی سال ۱۴۰۰ با افزایش نزدیک به ۴۷ درصدی به ۶۳۷ هزار میلیارد تومان رسیده که بخش عمده آن هم صرف پرداخت حقوق، پاداش، اضافه‌کار و... می‌شود. در بودجه شرکت‌های دولتی هم که مربوط به مسائل حسابداری درآمدها، سود خالص، پوشش زیان و همچنین اجرای پروژه‌های عمرانی

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



در حمایت از اعتراضات مردم اصفهان و چهار محال و بختیاری
علیه جمهوری اسلامی و مافیای آب!

دولت موظف است آب آشامیدنی سالم و
آب مورد نیاز کشاورزان را تامین کند!

در چند روز گذشته اعتراضات بر حق مردم اصفهان و چهار محال به بی آبی و علیه مافیای آب، اوج تازه ای به خود گرفته است. تظاهرات بزرگ چندین هزار نفره مردم و کشاورزان در شهر اصفهان، و روز بعد در شهرکرد بزرگترین اعتراض سالهای گذشته به جمهوری اسلامی و مافیای آب است، که در چند سال گذشته آب مورد نیاز مردم و کشاورزان اصفهان توسط باند های حکومتی کنترل و حیف و میل می شود و اعتراضات بر حق آنان با تهدید و سرکوب پاسخ گرفته است.

مردم در مناطقی از بی آبی و کمبود آب رنج می برند که به گفته خود دولت ۱۱ درصد آب ایران از همین مناطق تامین و جاری می شود و بسیاری از شهرهای خوزستان و چهار محال و روستاهای اطراف آن به وسیله تانکر به آب آشامیدنی دسترسی دارند.

جمهوری اسلامی و باندهای حکومتی که با هدف ایجاد تفرقه و دو دستگی میان مردم، اعتراضات بزرگ مردم اصفهان و چهار محال، را از تلویزون صدا و سیما پوشش داد و قصد داشت که این اعتراضات را به نفع خود مدیریت کند، جواب دندان شکنی گرفت و با هوشیاری مردم خنثی شد. دو روز بعد چهارشنبه ۳ آذر و سحرگاه پنجشنبه ۴ آذر با حمله وحشیانه اوباشان اسلامی به کشاورزان متحصن در محوطه پل خواجه، چادرهای آنان را به آتش کشیدند و کشاورزان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. با این وصف کشاورزان تهدید کردند که به اعتراض خود ادامه خواهند داد و مردم اصفهان امروز جمعه ۵ آذر اعتراضات خود را علیه دولت و باندهای حکومتی ادامه داده و در مقابل حمله سرکوبگران اسلامی جانانه ایستادگی کردند و با حمله متقابل و فراری دادن مزدوران حکومتی درس خوبی به آنها دادند.

اعتراض امروز و روزهای گذشته مردم در اصفهان و شهرکرد و اعتراض چندین ساله کشاورزان محروم اصفهان به تخصیص قحابه تنها به کمبود آب محدود نیست. اعتراضی است کوبنده به مافیای آب و غارتگران آب، که سالهای طولانی است، آب مورد نیاز مردم و کشاورزان، توسط باندهای دولتی و قرارگاههای سپاه به نفع سرمایه داران و پروژهای صنعتی تصاحب و مصادره و حتی به فروش می رسانند. این در شرایطی است که اکثر مردم شهرهای خوزستان و اصفهان و چهار محال و بسیاری از روستاهای اطراف این مناطق شدیداً با کمبود آب آشامیدنی روبرو هستند.

مسئله مدیریت، توزیع و سیاست مصرفی آب و نابودی محیط زیست در ایران در کنار سایر مشکلات و مصائب اقتصادی - اجتماعی حاکم تنها بخشی از معضلات بزرگ جامعه ایران است. معضل آب تنها مختص اصفهان و چهار محال نیست، در تیرماه امسال اعتراض چند روزه مردم محروم خوزستان به مافیای آب و سد سازیها و پروژهای انتقال آب و ویرانی محیط زیست، و حشیانه سرکوب شد و با گلوله پاسخ گرفت. آب کم نیست، مشکل این است که کنترل و تقسیم آب دست حکومت و باندهای مافیایی است. مشکل اساسی این است که آب مثل همه منابع و ثروت جامعه مطابق نیاز واقعی و ضروری در دسترس مردم قرار نمی گیرد. دولت و باندهای حکومتی همه این منابع و ثروت جامعه را به نفع خودی ها و اقلیت سرمایه داران مصادره کرده است و اکثر مردم کارگر و زحمتکش را از امکانات اولیه زندگی محروم کرده است. آنچه امروز در ایران می گذرد از کمبود آب و برق، تا فقر و فلاکت و گرانی و تورم و همه مشکلاتی که به مردم تحمیل شده است، مسئول آن جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخور و باندهای مختلف حکومتی است که ثروت و امکانات جامعه را در چنگ خود گرفته و اکثریت عظیم مردم کارگر و زحمتکش را به لب پرتگاه نابودی سوق داده اند.

کشمکش مردم در خوزستان و اصفهان و همه مردم رنج دیده در ایران نه تنها بر سر آب و برق و گاز، که بر سر موجودیت نظام سرمایه داری حاکم است که زندگی را در تمام عرصه ها بر مردم تنگ کرده است. خیزش مردم در دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و تیرماه ۱۴۰۰ و همه اعتراضات و ناراضیاتی و نفرت روز افزون مردم بر سر همین است و مردم خوب می دانند که تا رژیم اسلامی در مسند قدرت باشد وضع همین است و بهتر نخواهد شد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از اعتراض و مبارزه بر حق مردم اصفهان و چهار محال و کشاورزان محروم اصفهان به کمبود آب و علیه مافیای آب قاطعانه حمایت می کند و خود را حامی مردم کارگر و زحمتکش و شهروندان محروم این مناطق می داند. شورای همکاری همچنین مردم اصفهان و چهار محال و همه مردم کارگر و زحمتکش را به همبستگی و اتحاد مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی فرامی خواند و از همه مردم می خواهد که اجازه ندهند عوامل و باند های حکومتی و مجلس نشینان با هدف ایجاد تفرقه و دو دستگی و تضعیف مبارزه مردم به سموم قومی و محلی گری دامن بزنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شنبه ۶ آذر ۱۴۰۰ - ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

تجاوز و خشونتی که کودک همسری نام گرفته است

واقعیت آنچه در این مورد با آن مواجهیم، یعنی رابطه جنسی یک مرد با یک دختر زیر ۱۸ سال به نام ازدواج، نه صرفاً یک ازدواج مبتنی بر زور و اجبار، بلکه یک تجاوز، آزار و خشونت عریان نسبت به کودکان دختر در بی‌رحمانه‌ترین شکل آن است.

لازمه رابطه جنسی، بلوغ جسمانی و فکری است که در یک دختر کم سن و سال وجود ندارد. دختران کم سن و سالی که دوران کودکی خود را طی می‌کنند و هیچ شناخت و آمادگی برای رابطه جنسی را ندارند، بدون این‌که خودشان تصمیم‌گیرنده باشند، یا دقیق‌تر از نظر فکری و عقلانی به آن مرحله از رشد لازم رسیده باشند که قدرت تصمیم‌گیری آزادانه و آگاهانه را داشته باشند، اراده دیگری که مردان خانواده است تصمیم می‌گیرند که آن‌ها را به عقد ازدواج مردانی درآورند که گاه سن آن‌ها چندین برابر سن این کودکان است.

بنابراین این دختران به نام ازدواج مورد تجاوزی قرار می‌گیرند که عواقب بی‌شماری برای آن‌ها در پی دارد. دختر بچه‌ای که به این طریق در اختیار یک مرد قرار می‌گیرد، از لحاظ جنسی و جسمی، فکری و عقلی از آمادگی ازدواج و زندگی زناشویی برخوردار نیست و بنابراین بازور و اجبار وارد رابطه جنسی با مردی می‌شود که نه تنها تجاوز محسوب می‌گردد، بلکه این دختر در تمام طول عمر دچار آسیب‌های جسمی و روانی می‌شود و گاه جان خود را از دست می‌دهد.

در تحقیقات دانشگاهی که در ایران پیرامون عواقب وخیم این پدیده صورت گرفته، ازدواج دختران در سنین پایین می‌تواند مشکلاتی مثل آسیب جدی به اندام‌های تناسلی، ابتلا به بیماری‌های مقاربتی، مرگ در هنگام زایمان، خشونت فیزیکی و جنسی مداوم، انزوا و افسردگی و عواقب وحشتناک دیگری در پی داشته باشد.

این به‌اصطلاح ازدواج‌ها راه انواع خشونت‌های مادام‌العمر را برای این کودکان هموار می‌کند، چراکه به خاطر سن و سال پائین، تبدیل به زنانی فرمانبردار می‌شوند که در برابر انواع خشونت مرد تمکین می‌کنند. یعنی تبدیل به زنی می‌شوند که مدنظر دولت دینی جمهوری اسلامی است. زن خانهداری که کتک می‌خورد، تمام وظیفه‌اش خانهداری، فرزند آوردن و تمکین در برابر خواست‌های مرد است. زنی که از نظر مالی کاملاً وابسته به شوهر است. از تحصیل بازمانده و مادام‌العمر اسیر می‌شود. این به‌اصطلاح ازدواج‌ها از آغاز تا پایان عمر دختران مملو از خشونت‌اند.

توجیه این تجاوز و خشونت را نیز مذهب و قوانین دولتی فراهم ساخته است. دین اسلام پایین‌ترین سن برای ازدواج را در دختران، ۹ سال تعیین کرده است. از همین روست که دولت دینی اسلام‌گرای حاکم بر ایران برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، ممنوعیت ازدواج زیر ۱۸

سال را نپذیرفته و محدودیتی برای سن ازدواج قائل نیست.

گرچه در ظاهر قوانین جمهوری اسلامی ازدواج ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران را مجاز و قانونی اعلام کرده است، اما در واقعیت هیچ محدودیت سنی برای ازدواج دختران کم سن و سال قائل نیست. مطابق با ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی "عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پس‌قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی" نیز مجاز شناخته شده است، اما آن را منوط "به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح" قرار داده است. این ماده قانونی راه را بر به‌اصطلاح ازدواج‌ها حتی در سنین پایین‌تر از ۱۳ سال هموار کرده است.

از همین روست که بر طبق آمار رسمی دولتی سال‌به‌سال بر تعداد این به‌اصطلاح کودک همسران ۱۰ تا ۱۴ ساله افزوده شده است.

در سال ۱۳۹۸ آمار ثبت‌شده حاکی از ازدواج ۲۸ هزار و ۳۷۳ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله بود. در سال ۱۳۹۹، ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله به ۳۱ هزار و ۳۷۹ افزایش یافت که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از آن رشدی حدود ده و نیم درصدی را نشان می‌دهد.

در همین سال، بررسی ازدواج‌های ثبت‌شده حاکی از ازدواج ۱۵۴ هزار و ۲۴۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله است که با افزایش ۶ درصدی نسبت به سال ۹۸ همراه است.

بنا بر گزارش مرکز آمار ایران، نسبت ازدواج‌های ثبت‌شده کودکان زیر ۱۵ سال در سال ۹۹ به تعداد کل ازدواج‌های ثبت‌شده در این سال که ۵۵۶ هزار و ۷۳۱ ازدواج بوده است، نشان می‌دهد که بیش از پنج درصد از کل ازدواج‌های ثبت‌شده طی سال ۹۹ در ایران مربوط به ازدواج کودکان زیر ۱۵ سال است. بر طبق تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران، در بهار سال جاری در قیاس با آمار مشابه در بهار سال ۹۹ تعداد ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله با ۳۲ درصد افزایش به ۹۷۵۳ ازدواج رسید.

آمار این مرکز که به بهار ۹۹ اختصاص دارد، تعداد دقیق ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله را ۷۲۲۳ مورد اعلام کرده بود.

این گزارش می‌افزاید ۴۵ هزار و ۵۲۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز در بهار ۱۴۰۰ ازدواج کرده‌اند.

البته این آمار تنها ازدواج‌های ثبت رسمی شده در سازمان ثبت‌احوال کشور است. تعداد زیادی از کودک همسران پیش از ۱۳ سالگی در برخی مناطق ایران که سنت‌های ارتجاعی باقی است یا به‌ویژه در سال‌های اخیر که فقر افزایش یافته است، ثبت نمی‌شوند و تنها هنگامی برای ثبت آن‌ها اقدام می‌شود که ظاهراً مانع قانونی وجود ندارد. بنابراین، آمار واقعی این قربانیان تجاوز و خشونت بسی فراتر از آمار رسمی دولتی است. این کودکان را به‌اجبار به ازدواج مردانی درمی‌آورند که گاه سن و سال آن‌ها از پدرشان هم بیشتر است. بر طبق همین آمار در بازه زمانی موردبحث تنها ازدواج شش پسر کمتر از ۱۵ سال در بهار ۱۴۰۰ به ثبت رسیده است.

این‌که علت این افزایش مداوم آمار به اصطلاح کودک همسران زیر ۱۸ سال چیست؟ به نظم اقتصادی-اجتماعی سرمایه‌داری ایران و دولت دینی پاسدار آن برمی‌گردد. برخی می‌کوشند نقش اصلی را در این میان به باقی ماندن رسوم ارتجاعی در برخی مناطق عقب‌مانده ایران بدهند. گرچه این عامل نقش دارد، اما نقش آن محدود است. دلیل آن نیز در این واقعیت نهفته است که در گذشته آمار کودک همسری در همین مناطق عقب‌مانده بسیار کمتر از سال‌های اخیر بود. فقر، قوانین دولت دینی و سیاست‌های تشویقی جمهوری اسلامی، راه را بر ازدواج‌های زیر ۱۸ سال کاملاً باز گذاشته است. فقری که اکنون جامعه را فراگرفته و متجاوز از ۸۰ درصد مردم زیرخط فقر زندگی می‌کنند، عامل مهمی در این افزایش است. خانواده‌های فقیر و گرسنه‌ای که نان خشک‌وخالی هم ندارند، می‌خواهند هرچه زودتر از شر یک نان‌خور خانواده خلاص شوند. به‌ویژه که پای یک وام ازدواج صد میلیونی برای ازدواج‌های زیر ۲۵ سال نیز در میان باشد. آن‌ها در عمل دختر کودکان کم سن و سال خود را می‌فروشند.

بنابراین نقش اصلی را در افزایش آمار ازدواج‌های زیر ۱۸ سال، نظم اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران بر عهده‌دارد. این خشونت و تجاوز عریانی که دختران کم سن و سال در ایران با آن مواجه‌اند، محصول نظام حاکم بر ایران است و تا وقتی که این نظم حاکم باشد، تا وقتی که جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه می‌دهد، بر این خشونت و تجاوز بر کودک دختران کم سن و سال پایانی نخواهد بود.

به تبعیض، ستم و نابرابری علیه زنان باید پایان داده شود!



مردان ستم‌خیزان (تقویت)

تجاوز و خشونتی که کودک همسری نام‌گرفته است

ادامه داده است. خشونت علیه زنان گرچه پدیده‌ای جهانی است، اما ابعاد آن در همه کشورها یکسان نیست. در کشورهای عقب‌مانده‌تر جهان سرمایه‌داری به‌ویژه در کشورهای که مردم اسیر خرافات دینی‌اند، خشونت بسیار گسترده است و به اشکال مختلف علیه زنان اعمال می‌گردد. این خشونت اما در کشورهایی که دین و دولت در هم ادغام شده‌اند، ابعاد وحشتناکی به خود گرفته است. ستم، تبعیض و خشونت که در ایران بر زنان اعمال می‌شود، کمتر نمونه آن را در جهان می‌توان سراغ گرفت.

در ایران که دولت مذهبی رسماً بر نابرابری زن و مرد و تبعیض علیه زنان مهر تائید زده است، نه‌فقط زنان هرروز در معرض انواع متعددی از ستم، تبعیض و خشونت خانوادگی و دولتی قرار دارند، بلکه هر سال صدها زن به قتل می‌رسند، یا در نتیجه فشارهای متعدد، خودکشی می‌کنند. یکی از وحشیانه‌ترین خشونت‌های رایج در ایران که از نظر قانونی نیز مورد حمایت دولت دینی قرار دارد، تجاوز به دختران کم سن و سالی است که بر آن نام کودک همسری نهاده‌اند. در

در صفحه ۹

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

https://t.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)

No 947 November 2021



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .

FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical/ عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی